



## Social Capital Networks and Sustainable Rural Management (Study case: Ghaleganj County)

Elham Akbari<sup>1</sup> | Maryam Yazdanparast<sup>2</sup> | Leila Avazpour<sup>3</sup>

1. Corresponding Author, Department of Education, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: [eakbari@modares.ac.ir](mailto:eakbari@modares.ac.ir)
2. Social Business Institute, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: [M.yazdanparast@ut.ac.ir](mailto:M.yazdanparast@ut.ac.ir)
3. Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: [leila.avazpour@ut.ac.ir](mailto:leila.avazpour@ut.ac.ir)

Article Info	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> Research Article</p> <p><b>Article history:</b> Received: 16 August 2023 Received in revised form: 12 October 2023 Accepted: 31 October 2023 Published: 09 December 2023</p> <p><b>Keywords:</b> Dry land Development, Empowerment, Ghaleganj County, Participation of Local Communities, Social Capital</p>	<p>As a fundamental requirement for national progress, rural development must take precedence over other initiatives in development strategies. Among the most effective strategies for the sustainable and all-encompassing development of rural communities is maximizing the capabilities and participation of individuals, particularly villagers, in every aspect.</p> <p>The purpose of this study is to assess the impact of social capital on the local progress of the villages of Goldasht, Jangalabad, and Gazabad in Ghalaganj County, situated in the southern region of Kerman province. This will be achieved through the utilization of social network analysis over two distinct time periods: prior to and subsequent to the execution of the community empowerment initiative. The required data were gathered in this manner through the distribution of a network analysis questionnaire and conducting direct interviews with 251 members of the local microcredit fund, employing a full network approach.</p> <p>The results indicate that the density index for two ties of trust and collaboration has increased in all villages examined since the empowerment plan was implemented; Gazabad village has the maximum density associated with the tie of trust (90.1). An increase in population density results in the development of trust, participation and social capital at the individual level. The increase in the reciprocity index further demonstrates the significance and efficacy of the empowerment plan in fostering trust and collaboration among nations, bolstering social capital, and ultimately enhancing individual empowerment.</p> <p>The confidence of microcredit fund members has increased and their willingness to participate has been strengthened as a result of the empowerment project's implementation, according to the results. This underscores the effectiveness of the community-based approach as a means to augment social capital. Therefore, administrators and policymakers can devise strategies to enhance sustainable rural management by utilizing these findings.</p>

**ite this article:** Akbari, E., Yazdanparast, M., & Avazpour, L. (2024). Social Capital Networks and Sustainable Rural Management (Study case: Ghaleganj County). *Community Development (Rural and Urban)*, 15(2),337-351. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.366896.668819>



## سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و مدیریت پایدار روستایی (مورد مطالعه: شهرستان قلعه‌گنج)

الهام اکبری<sup>۱</sup> | مریم یزدان پرست<sup>۲</sup> | لیلا عوض پور<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: [eakbari@modares.ac.ir](mailto:eakbari@modares.ac.ir)  
 ۲. مؤسسه کسب‌وکار اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [m.yazdanparast@ut.ac.ir](mailto:m.yazdanparast@ut.ac.ir)  
 ۳. دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [leila.avazpour@ut.ac.ir](mailto:leila.avazpour@ut.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	توسعه روستایی، ضرورتی بنیادی برای توسعه ملی است و باید در اولویت برنامه‌های توسعه قرار گیرد. یکی از راهبردهای مؤثر در راستای توسعه همه‌جانبه و پایدار جوامع روستایی، مشارکت و توانمندی‌های مردم، به‌ویژه روستاییان در تمام ابعاد آن است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۲۵	هدف پژوهش حاضر، ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه محلی روستاهای گل‌دشت، جنگل‌آباد و گزآباد در شهرستان قلعه‌گنج استان کرمان، بر پایه تحلیل شبکه اجتماعی در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای طرح توان‌افزایی جوامع محلی است. با توزیع پرسشنامه تحلیل شبکه و مصاحبه مستقیم با ۲۵۱ نفر از اعضای صندوق اعتبارات خرد محلی به‌صورت شبکه کامل، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۷/۲۰	یافته‌ها نشان می‌دهد شاخص تراکم در تمامی روستاهای مورد مطالعه و در دو شبکه اعتماد و مشارکت پس از اجرای طرح توانمندسازی افزایش یافته است و بیشترین تراکم مربوط به پیوند اعتماد در روستای گزآباد (۹۰/۱) است. افزایش میزان تراکم سبب توسعه اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی در سطح افراد می‌شود. افزایش شاخص دوسویگی نیز نشان‌دهنده نقش مهم و مؤثر طرح توانمندسازی در افزایش روابط دوجانبه و متقابل در پیوندهای اعتماد و مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه افزایش توان فردی است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۹	یا توجه به نتایج می‌توان گفت اجرای پروژه توانمندسازی موجب اعتمادسازی و تقویت روحیه مشارکت و همکاری در بین اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد شده است که این امر بر اثربخشی مطلوب رویکرد اجتماع‌محور در راستای افزایش سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند؛ بنابراین برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با بهره‌برداری از این نتایج می‌توانند برای بهبود مدیریت پایدار روستایی برنامه‌ریزی کنند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۹/۱۸	
<b>کلیدواژه‌ها:</b> مشارکت جوامع محلی، توانمندسازی، سرمایه اجتماعی، توسعه مناطق خشک، شهرستان قلعه‌گنج.	

**استناد:** اکبری، الهام، یزدان پرست، مریم و عوض پور، لیلا (۱۴۰۲). سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و مدیریت پایدار روستایی (مورد مطالعه: شهرستان قلعه‌گنج). توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۵ (۲): ۳۳۷-۳۵۱. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.366896.668819>



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

امروزه اهمیت سرمایه اجتماعی به منظور رسیدن به مدیریت پایدار روستایی، موضوع رو به رشدی است. شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به خصوص جوامع روستایی، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر اعتماد متقابل (فرد، جامعه، دولت) است که این سازه‌ها از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند. به این ترتیب مفهوم سرمایه اجتماعی، یکی از پرکاربردترین مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی شده است. استفاده گسترده از اصطلاح سرمایه اجتماعی و بحث در مورد آن در قلمروهای مختلف علوم اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، محیط طبیعی و مفاهیم توسعه پایدار حاکی از پذیرش نقش اجتناب‌ناپذیر این نوع سرمایه و لزوم مطالعه و اندازه‌گیری آن در کنار انواع دیگر سرمایه طبیعی، فیزیکی و انسانی به منظور افزایش کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، تدبیر برای پیشگیری و کاهش مشکلات اجتماعی و تحقق توسعه پایدار در جوامع مختلف است.

سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی منعکس‌کننده ارزش‌های ارتباط اجتماعی است (بورگاتی و فوستر، ۲۰۰۳). براین اساس، سرمایه اجتماعی برای دستیابی به حیات پایدار در جوامع روستایی در همه مناطق ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا ادامه زندگی بدون سرمایه اجتماعی روستاییان به ناهماهنگی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی و آسیب‌پذیری و تضعیف روند آن در سکونتگاه‌های روستایی منجر می‌شود (دی هان، ۲۰۰۱). ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، مانند آگاهی اجتماعی، اعتماد، انسجام، سازمان‌دهی، مشارکت و شبکه‌ها، زمینه را برای دستیابی به حیات پایدار فراهم می‌کنند (جوشی و همکاران، ۲۰۱۴). بوشر (۲۰۰۷) استدلال کرد که سرمایه اجتماعی به‌عنوان راهبرد بقا در سطح جامعه عمل می‌کند و به جامعه کمک می‌کند آسیب‌پذیری خود را کاهش دهد. درواقع، سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری در ارتباطات اجتماعی است که می‌تواند کارایی شبکه‌های اجتماعی را افزایش دهد.

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع اجتماعی است که در یک جامعه پراکنده و در دسترس هستند. همچنین یک منبع اجتماعی ساختاری تلقی می‌شود که از برخی عناصر یک ساختار اجتماعی تشکیل شده است و برخی از اقدامات را برای افراد آن ساختار تسهیل می‌کند (فیولا و همکاران، ۲۰۱۴). سرمایه اجتماعی، ویژگی گروه یا شبکه‌ای از کنشگران نظام اجتماعی است. این روش مشخص می‌کند که بازیگران اجتماعی چگونه با افراد و گروه‌های اجتماعی دیگر مرتبط هستند (موبایا و همکاران، ۲۰۱۲). ایجاد ارتباط بین ساکنان برای موفقیت در ایجاد همبستگی در یک جامعه بسیار مهم است (ستینی و همکاران، ۲۰۲۰)؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی رابطه‌ای است که از طریق آن، افراد می‌توانند ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و همچنین اعتماد، اطلاعات، دانش و منابع را از طریق شبکه‌های اجتماعی کسب کنند (لدی و همکاران، ۲۰۲۰). مفهوم سرمایه اجتماعی ریشه در روابط اجتماعی نوع بشر دارد و درواقع محصول جامعه بشری است (اکبر و همکاران، ۲۰۱۸). در حال حاضر مشخص است که یک جامعه می‌تواند از طریق سرمایه اجتماعی به تاب‌آوری زیادی در هنگام خطرات طبیعی دست یابد. در زمینه سرمایه اجتماعی، عواملی که بسیار مهم هستند عبارت‌اند از: همکاری محلی بین افراد و گروه‌ها، اعتماد محلی، توسعه مبتنی بر شبکه و اتخاذ تصمیمات نهادی توسط جامعه که می‌تواند در پتانسیل‌های بالقوه جوامع برای مدیریت خطر و کاهش خطر مؤثر باشد (اسمایلی و همکاران، ۲۰۱۸). یکی از راه‌های مدرن برای کاهش خطرات مخاطرات طبیعی، چه قبل و چه بعد از وقوع آن‌ها، همکاری بین‌فردی با استفاده از سرمایه اجتماعی است که می‌تواند وضعیت جامعه را بهبود بخشد. این همکاری‌ها همه ابعاد از جنبه‌های رفتاری، ذهنی و عاطفی تا اعمال محسوس را دربرمی‌گیرد. درواقع سرمایه اجتماعی به‌عنوان همکاری و مسئولیت اعضای یک جامعه، به‌عنوان عاملی کلیدی در کاهش مخاطرات طبیعی مفهوم‌سازی می‌شود (لودوویکو و همکاران، ۲۰۲۰).

شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان عنصر ساختاری سرمایه اجتماعی، چارچوبی پیرامون موضوعات روش‌شناختی و مفهومی ارائه می‌دهند (برت، ۲۰۰۰؛ ساباتینی، ۲۰۰۹). ویژگی‌های شبکه اجتماعی، سرمایه اجتماعی تک‌تک بازیگران آن را تعیین می‌کند. برخلاف سرمایه فیزیکی و انسانی، سرمایه اجتماعی بر روابط بین افراد متمرکز است. همچنین فقط مجموع نهادهایی نیست که زیربنای جامعه را شکل دهد، بلکه چسبی است که آن‌ها را به هم متصل می‌کند؛ منبعی فرهنگی که با هنجارهای متقابل و قابل‌اعتماد مشخص می‌شود. همچنین هوش اجتماعی است که برای تعامل موفق بین فردی لازم است. تحلیل سرمایه اجتماعی، چارچوب تحقیقاتی متمایزی برای مطالعه روابط به‌جای ویژگی‌ها است. مطالعات شبکه‌های اجتماعی متنوع است. در مطالعات حاکمیت منابع طبیعی، برای بهبود درک سیستم‌های پیچیده اجتماعی-اکولوژیکی، جریان‌های منابع و اطلاعات و طراحی سیاست یکپارچه‌تر مورد استفاده قرار گرفته‌اند (بادین و کرونا، ۲۰۰۹؛ کرونا و هایبک، ۲۰۱۰). تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی، چارچوبی جایگزین برای مطالعه روابطی ارائه می‌کند که در آن علیت در فرد نیست، بلکه در ساختار کلی اجتماعی قرار دارد.

بنابراین، ارزیابی رویکردهای سرمایه اجتماعی بر اعتمادسازی در ایجاد شبکه‌های اجتماعی بین مدیران، جوامع، محققان و سیاست‌گذاران برای همکاری و یادگیری از طریق پیچیدگی و تغییر متکی است. تغییر در ارزش‌های اجتماعی یا بحران‌های منابع ممکن است به اصلاح سیستم‌های اجتماعی-محیطی در پاسخ به شکست‌های سیاستی منجر شود (لیدسکوک و همکاران، ۲۰۲۲؛ ویلیامز و همکاران، ۲۰۲۱). به گفته وسترنیک و همکاران (۲۰۱۷)، مفهوم سرمایه اجتماعی نیاز به توجه بیشتری به طراحی نظری و تسهیل برای بحث‌های موجود در مورد فشار بین توسعه پایدار، توانمندسازی و جوامع روستایی دارد. در نتیجه، این مطالعه سرمایه اجتماعی را که پیش‌نیازی برای توانمندسازی جامعه روستایی از طریق مدیریت مشترک است، بررسی می‌کند.

براین اساس، هدف از پژوهش حاضر ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه جوامع محلی شهرستان قلعه‌گنج با استفاده از تحلیل شبکه اجتماعی است. به عبارتی در این پژوهش، خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در شبکه اعضای صندوق‌های اعتباری خرد توسعه روستاهای گلدشت، جنگل‌آباد و گزآباد در شهرستان قلعه‌گنج که تحت پوشش پروژه توان‌افزایی جوامع محلی هستند با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی، در دو مرحله قبل و بعد از اجرای این پروژه تحلیل و ارزیابی می‌شود.

## ۲. پیشینه و مبانی نظری

مطالعات متعددی برای ارزیابی اثر سرمایه اجتماعی بر فعالیت‌های جمعی روستایی انجام شده است. طبق نظر موسونگان و سیماتل (۲۰۱۶)، دسترسی به منابع، انتقال اطلاعات، تحرک اجتماعی و توانایی همکاری برای راه‌حل‌های جمعی، همگی نیازمند سرمایه اجتماعی است. علاوه‌براین، رامون-هیدالگو و همکاران (۲۰۱۸) بیان کردند که جلسات منظم رودررو، توافق بر سر اهداف و استانداردهای اجرایی، تکنیک‌های حل اختلاف و تکنیک‌های مسئولیت‌پذیری، فقط چند نمونه هستند که تصور می‌شود با تسهیل روابط و تقویت اعتماد بین ارگان‌های جامعه، همکاری را بهبود می‌بخشند. مایر (۲۰۱۹) اظهار داشت که یادگیری اجتماعی، فرایندی است که مشارکت، اعتماد و تنوع شبکه را بهبود می‌بخشد و وسیله‌ای برای افزایش سرمایه اجتماعی برای مزایای فردی و اجتماعی است.

سایر محققان چشم‌انداز قابل‌توجهی برای نقش مهم شبکه‌های اجتماعی در موفقیت مدیریت پایدار روستایی دارند. رامون-هیدالگو و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که جنبه‌های شناختی سرمایه اجتماعی به‌عنوان کالاهای مشارکتی (برای مثال، هنجارهای اعتماد متقابل و همکاری) ممکن است افراد را مستعد فعالیت جمعی سودمند متقابل کند. علاوه‌براین، ویژگی‌های ساختاری (کیفیت‌ها و ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی در بین مردم) ممکن است با بسیج منابع اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی، چنین فعالیتی را

ترویج کند. درمورد سرمایه اجتماعی ساختاری، شبکه، پیوندهای ضعیف (روابط با پویایی اندک) را از پیوندهای قدرتمند (روابط با پویایی زیاد) نشان می‌دهد (قربانی و آزادی، ۲۰۲۱). پیوندهای ضعیفی که به‌عنوان پل عمل می‌کنند، برای جریان داده‌های جدید ضروری هستند. آن‌ها ممکن است فعالیت‌های ابزاری مانند یافتن شغل، توسعه عملکردی بیشتر یا تأثیرگذاری بر زندگی مدنی را ساده کنند (قربانی و همکاران، ۲۰۱۶). برعکس، الگوهای قابل اعتماد و رفتار متقابل با پیوندهای قوی، با نتایجی مانند حفظ سلامت جسمی و شناختی، شناخت عمومی و رضایت از زندگی پشتیبانی می‌شوند. قربانی و آزادی (۲۰۲۱) خاطرنشان کردند که مدیریت مشترک به دو یا چند نهاد برای مدیریت هماهنگ سرمایه طبیعی نیاز دارد؛ زیرا برآورد سرمایه اجتماعی امری ضروری و چالش‌برانگیز است و یکی از سودآورترین و دقیق‌ترین راه‌ها برای ارزیابی این سرمایه، تحلیل شبکه اجتماعی است. همچنین اهمیت سرمایه اجتماعی برای کسب و کارهای اجتماعی و اهداف توانمندسازی جوامع در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

اکبری و عوض پور (۱۴۰۱) با تحلیل پویایی سرمایه اجتماعی در راستای تحقق توسعه پایدار محلی در شهرستان قلعه گنج بیان کردند که فراهم کردن بستر اعتمادسازی، آموزش و تقویت روحیه مشارکت و همکاری جمعی در بین سرگروه‌های صندوق‌های اعتبارات خرد ضروری است تا سرمایه اجتماعی برون‌گروهی غنی در این جامعه محقق شود. طبق نظر اسلامی و همکاران (۱۳۹۸)، نبود پل‌های ارتباطی با پراکندگی مناسب در سطح جامعه سبب می‌شود تا ابتکار و انسجام اجتماعی لازم در برخورد هوشمندانه و به‌موقع با مشکلات محیطی به‌خصوص خشکسالی کاهش یابد. به عقیده پوررضا کریم‌سرا و دهقان (۱۳۹۸)، سرمایه اجتماعی پل‌زننده و شبکه‌های پیوند مرتبط با آن موجب انسجام و پویایی جامعه کل می‌شود؛ زیرا هر توسعه‌ای در کشور مستلزم وجود جامعه‌ای منسجم و پویا است. همچنین کاهش این نوع سرمایه اجتماعی، هزینه مبادله در سطح جامعه را افزایش می‌دهد و این امر به کاهش توان اقتصادی جامعه می‌انجامد. برعکس هرچه این نوع سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش یابد، رفتار مردم قابل‌اعتمادتر و البته پیش‌بینی‌پذیرتر خواهد شد و پیش‌بینی‌پذیری رفتار کنشگران ضمن اینکه نشانگر نظم اجتماعی است، برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت سطح کلان را تسهیل و کارآمد می‌کند.

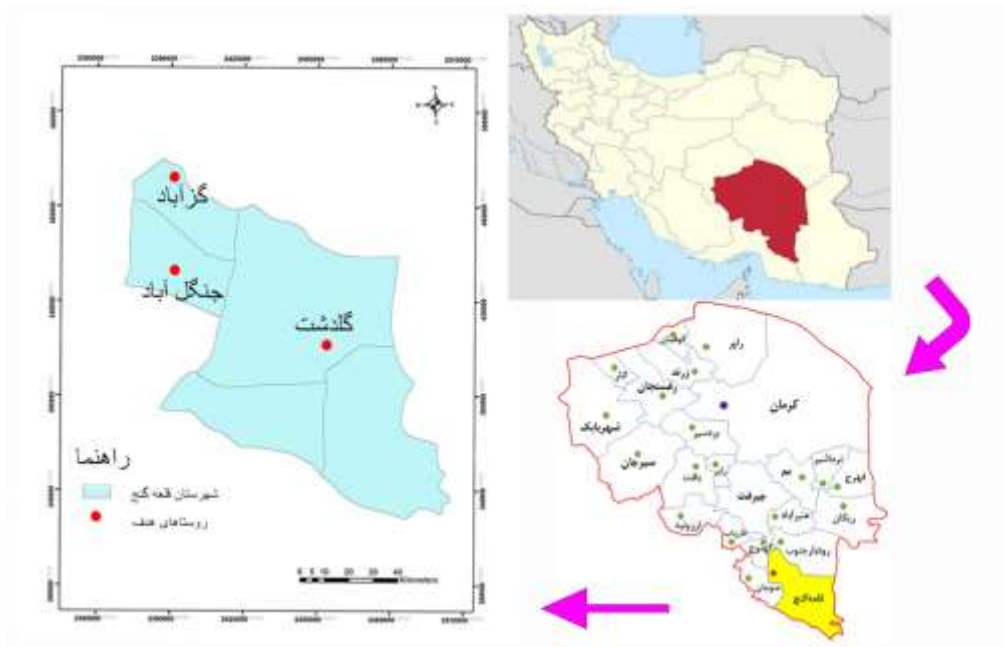
سرمایه اجتماعی را می‌توان با عبارتهایی متفاوت از منظر جامعه‌شناسان تعریف کرد. کلمن سرمایه اجتماعی را تعهدات و انتظارات، روابط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی نامید. او معتقد بود سرمایه اجتماعی به‌وسیله کارکردش تعریف می‌شود و موجودیت مستقلی ندارد (کلمن، ۱۹۹۸: ۴۶۵). سرمایه اجتماعی وقتی به‌وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند (از کیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۵۱). سرمایه اجتماعی، در ساختار روابط میان کنشگران نهفته است و کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۱۲) و یکی از شاخص‌های مهم در توسعه محلی است که موجب تحرک گروه‌ها، همکاری آن‌ها با یکدیگر، تقویت و توسعه پایه‌های دموکراسی در جامعه و محله، ایجاد اعتماد به نفس در سطوح فردی و محلی، ازدیاد رهبران بومی و محلی و بالاخره ایجاد حالتی می‌شود که در آن، مشکلات اجتماعی به‌وسیله اعضای محله حل شود (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۸).

غفاری و رضانی در تعریف سرمایه اجتماعی بیان کردند سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش مشخص می‌شود و دارای دو خصوصیت مشترک است: دارای وجوهی از ساختار اجتماعی است و کنش‌های خاصی از افراد داخل ساختار را تسهیل می‌کند (غفاری و رضانی، ۱۳۹۲: ۴۶). به عقیده برت، سرمایه اجتماعی به افرادی تعلق دارد که می‌توانند روابط بهتری با دیگران داشته باشند (برت، ۲۰۰۳: ۲۰۲). از دیدگاه بوردیو (۱۹۸۶)، سرمایه اجتماعی منبعی بالقوه یا بالفعل است که از شبکه‌ای از روابط پایدار تشکیل شده است. پاتنام معتقد است شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، از ویژگی‌های سازمان اجتماعی هستند و این نوع سرمایه اجتماعی می‌تواند اقدامات هماهنگ را تسهیل کند و کارایی جامعه را افزایش دهد (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۶۹). در این راستا، اهمیت توسعه پایدار جامعه و نقش حیاتی آن در گسترش بیشتر کشورهای درحال توسعه از هیچ‌کس پنهان نیست و به اعتقاد کارشناسان و دست‌اندرکاران امر، اثبات این امر

بیش از هر چیز به داشتن سرمایه مناسب به‌ویژه سرمایه اجتماعی بستگی دارد که از طریق مشارکت و اعتماد امکان‌پذیر است. در مقوله توسعه اجتماعی، یکی از موضوعات اساسی را می‌توان توانمندسازی جامعه یا در واقع ساختن جامعه دانست و برای نیل به این مقصود، یکی از رویکردهای مؤثر، توانمندسازی است (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۱). توانمندسازی جامعه لزوماً به عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی و اقتصادی می‌پردازد که زیربنای سلامت هستند و به دنبال ایجاد مشارکت با سایر بخش‌ها در یافتن راه‌حل است. ارتباطات نقشی حیاتی در تضمین توانمندسازی جامعه ایفا می‌کند. رویکردهای مشارکتی در ارتباطات که بحث و مناظره را تشویق می‌کند، به افزایش دانش و آگاهی و سطح بالاتری از تفکر انتقادی منجر می‌شود. تفکر انتقادی جوامع را قادر می‌سازد تا تأثیر متقابل نیروهایی را که بر زندگی‌شان کار می‌کنند درک کنند و به آن‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات خود را بگیرند؛ بنابراین دسترسی به منابع، انتقال اطلاعات، تحرک اجتماعی و توانایی همکاری برای راه‌حل‌های جمعی، همگی نیازمند سرمایه اجتماعی است.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش در شهرستان قلعه‌گنج واقع در استان کرمان در جنوب شرقی ایران انجام شد (شکل ۱). استان کرمان روی کمربند خشک و نیمه‌خشک جنوب شرقی ایران قرار دارد. میزان بارندگی سالانه آن کمتر از ۲۵۰ میلی‌متر است و بیش از ۸۰ درصد مساحت آن اقلیم خشک و نیمه‌خشک دارد. وسعت کویری استان هر سال افزایش می‌یابد. این استان در حاشیه بیابان‌های ایران واقع شده و علی‌رغم وابستگی زیست‌محیطی، کشاورزی، اقتصادی و اجتماعی به منابع آبی، به شدت تحت تأثیر خشکسالی‌ها قرار گرفته است؛ بنابراین، با توجه به اینکه استان کرمان، منطقه‌ای خشک تلقی می‌شود و کشاورزی شغل اصلی ساکنان آن است، خشکسالی می‌تواند بر کشاورزی، اقتصاد و معیشت مردم آن تأثیر بسزایی بگذارد (شرفی و همکاران ۲۰۲۰). با توجه به این خشکسالی‌های متوالی، جوامع روستایی شهرستان قلعه‌گنج نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. این شهرستان در ۷۰ کیلومتری جنوب کهنوج قرار دارد و براساس آخرین سرشماری، جمعیت آن حدود ۷۷،۰۰۰ نفر است. این شهرستان دارای دو بخش عمده شامل بخش مرکزی و بخش دادخدا چاه است. آب‌وهوای قلعه‌گنج گرم و نیمه‌مرطوب است و دمای هوای آن در تابستان به بالای ۵۲ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. با توجه به شرایط اقتصادی و محیطی حاکم بر منطقه، پروژه توانمندسازی جوامع محلی در این منطقه با هدف نهادینه‌سازی و ظرفیت‌سازی در میان روستاییان انجام شد که توانمندسازی و مشارکت آن‌ها در مدیریت منابع طبیعی و همچنین توانمندسازی جوامع روستایی را برای بهبود معیشت و استانداردهای زندگی آن‌ها ممکن می‌سازد. در واقع ایجاد صندوق‌های اعتباری خرد با رویکرد تأمین مالی خرد براساس زنجیره ارزش تولید و حمایت از اشتغال پایدار در این زمینه شکل گرفته است (قربانی، ۱۳۹۵). به این ترتیب در این پژوهش سه روستا (گلدشت، جنگل‌آباد و گزآباد) به‌عنوان جامعه هدف برای ارزیابی سرمایه اجتماعی و تحلیل شبکه اجتماعی مطالعه می‌شوند.



شکل ۱. موقعیت روستاهای مورد مطالعه در شهرستان قلعه گنج  
منبع: یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، برای تحلیل و ارزیابی هرچه دقیق‌تر عملکرد پروژه توان‌افزایی جوامع محلی شهرستان قلعه گنج و تحلیل روابط بین ذی‌نفعان محلی (اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی) از رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی در دو مرحله و بازه زمانی استفاده شده است. بازه‌های زمانی مورد تحلیل در مرحله اول، قبل از جمع‌آوری اولین پس‌انداز و راه‌اندازی صندوق‌های آبادانی و پیشرفت روستایی و در مرحله دوم، بعد از اجرای پروژه توان‌افزایی جوامع محلی است. در این راستا، از یک پرسشنامه ساختاریافته برای جمع‌آوری داده‌ها در مناطق مورد مطالعه استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۲۵۱ نفر از اعضای صندوق‌های خرد محلی در سه روستای گلدشت، جنگل‌آباد و گزآباد است که به صورت شبکه کامل مورد پرسش قرار گرفتند. در این روش (شبکه کامل) داده‌های تجربی پژوهش براساس روش پیمایشی، بازدید میدانی و مشاهده مستقیم و مشارکتی، از مصاحبه مستقیم با کلیه اعضای گروه‌های موجود و فعال در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی در روستاهای هدف جمع‌آوری شده است. پیوندهای اعتماد و مشارکت در مقیاس لیبرت از صفر تا ۵ ارزیابی شد. روایی پرسشنامه با استفاده از پانل خبرگان به دست آمد. پایایی ابزار پژوهش نیز با انجام مطالعه مقدماتی (۳۰ پرسشنامه خارج از جامعه اصلی) محاسبه شد و ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مورد نظر ۰/۹۱ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و محاسبه شاخص‌های شبکه، از نرم‌افزار UCINET استفاده شد.

تحلیل شبکه اجتماعی، رهیافتی برای مطالعه ساختارهای اجتماعی است؛ به طوری که ارتباطات میان افراد و ویژگی‌های این ارتباط مطالعه می‌شود. به طور خلاصه می‌توان این رویکرد را در یافتن افراد، گروه‌ها، واحدهای دارای نقش مرکزی، یافتن موانع، تنگناها، حفره‌های ساختاری، واحدهای ایزوله، شناخت فرصت‌ها برای تشدید جریان دانش در راستای محدوده‌های عملکردی و سازمانی، تقویت کارایی کانال‌های ارتباطی موجود، افزایش آگاهی از اهمیت شبکه‌های غیررسمی و راه‌هایی برای افزایش عملکرد سازمانی

آن‌ها، افزایش خالقیت و یادگیری و بهبود راهبردها نام برد (سرات، ۲۰۰۹). به عبارتی این تکنیک به محققان در تجزیه و تحلیل تعامل بین افراد و محیط آن‌ها از طریق ارزیابی ارتباطات بین فردی و تأثیر این پیوندها بر بهره‌وری سرمایه انسانی کمک می‌کند. در این راستا، در پژوهش حاضر به منظور تحلیل و ارزیابی هرچه دقیق‌تر عملکرد پروژه توان‌افزایی جوامع محلی شهرستان قلعه‌گنج و برای تحلیل روابط بین ذی‌نفعان محلی (اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی) از رویکرد SNA در دو مرحله و بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه توان‌افزایی جوامع محلی استفاده شد (قربانی و آزادی، ۲۰۲۱؛ قربانی و همکاران، ۲۰۲۲). شاخص‌های سطح کلان شبکه اجتماعی در این پژوهش مطابق جدول ۱ است.

جدول ۱. شاخص‌های تحلیل شبکه اجتماعی در پژوهش

شاخص	توضیحات
تراکم	تعداد کل پیوندهای واقعی بین اعضا در شبکه تقسیم بر تعداد کل پیوندهای ممکن را محاسبه می‌کند. اگر جامعه، تراکم شبکه صددرد داشته باشد، همه اعضای جامعه با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کرده‌اند. تراکم شبکه نشانگر سرمایه اجتماعی جامعه است (هانمن و ریدل، ۲۰۰۵: ۱۲۰).
دوسویگی	به منظور تعیین میزان پایداری شبکه روابط و میزان متقابل بودن ارتباط از این شاخص استفاده می‌شود. هرچه میزان این شاخص در شبکه روابط بیشتر باشد، روابط متقابل و همکاری بین کنشگران حاضر در شبکه بیشتر است که پایداری شبکه روابط را تضمین می‌کند. نتایج این شاخص به درصد ارائه می‌شود و بین صفر تا صد درصد متغیر است. هرچه میزان این شاخص در شبکه افزایش یابد، تاب‌آوری نظام اجتماعی در برابر تغییرات و تنش‌های محیطی افزایش خواهد یافت (بورگاتی و همکاران، ۲۰۱۳: ۶۷).
انتقال‌یافتگی	این شاخص از به اشتراک‌گذاری پیوندهای سه کنشگر که یکی از آن‌ها پل ارتباطی بین دو فرد دیگر است، حاصل می‌شود. به بیان دیگر، اگر کنشگر الف یک پیوند با کنشگر ب، و ب یک پیوند با کنشگر ج داشته باشد، انتقال‌پذیری فرصت و شانس است که الف برای پیوند با ج دارد. هرچه تعداد کنشگران انتقال‌دهنده پیوندها بیشتر باشد، میزان این شاخص بالاتر است و در نتیجه پایداری و دوام روابط را در بین کنشگران به دنبال دارد. این شاخص نیز در جهت سنجش میزان پایداری در شبکه و میزان تعادل و توازن روابط در شبکه به کار می‌رود و به صورت درصد یا بین اعداد صفر و یک نمایش داده می‌شود (اسکات، ۲۰۱۷: ۹۱).
میانگین فاصله ژئودزیک	این شاخص نشان‌دهنده میزان کوتاه‌ترین مسیر در بین دو جفت کنشگر بر اساس پیوندهای تبادل اطلاعات و همکاری است. هرچه این شاخص کمتر باشد، سرعت گردش و پخش اطلاعات در بین کنشگران بیشتر است و بنابراین زمان و هزینه کمتری برای هماهنگ‌کردن کنشگران شبکه برای اجرای مدیریت یکپارچه و به‌هم‌پیوسته صرف خواهد شد (بادین و همکاران، ۲۰۰۷: ۴).

#### ۴. یافته‌های پژوهش: تحلیل شاخص‌های سطح کلان شبکه در روستاهای مورد مطالعه

##### ۴-۱. تحلیل ساختاری پیوندهای اعتماد و مشارکت در بین اعضای صندوق روستای گلدشت

جدول ۲ نتایج بررسی شاخص تراکم در بین اعضای صندوق روستای گلدشت را در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه نشان می‌دهد. براساس نتایج، اندازه شاخص تراکم در پیوند اعتماد، قبل از اجرای پروژه ۳۴/۹ بود که این میزان پس از اجرای پروژه به ۸۸/۴ درصد ارتقا یافت. همچنین اندازه شاخص تراکم در پیوند مشارکت قبل از اجرای پروژه ۲۲/۵ درصد بود که پس از آن به ۸۶ درصد افزایش پیدا کرد. با مقایسه دو مرحله پایش صورت‌گرفته مشخص می‌شود اجرای پروژه توان‌افزایی توانسته تأثیر مثبتی بر روند افزایش شاخص تراکم در پیوندهای اعتماد و مشارکت افراد بگذارد؛ بنابراین اجرای این پروژه در راستای تقویت سرمایه اجتماعی بر مبنای اعتماد و مشارکت مؤثر واقع شده است. با بهبود سطح سرمایه اجتماعی در جامعه، بر میزان کارایی و توان اجتماعی آن افزوده و مسیر توسعه پایدار روستایی هموارتر می‌شود.



شاخص دوسویگی در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۳۱/۰۳ درصد و بعد از آن ۷۹/۲۷ درصد است. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت قبل از اجرای طرح ۱۸/۴۵ درصد و بعد از آن ۷۶/۳۱ درصد است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، اندازه شاخص دوسویگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه در بین اعضای صندوق روستای گلدشت افزایش یافته است. اعتماد فراوان و مشارکت متقابل افراد سبب می‌شود اعتماد و مشارکت در بین آن‌ها نهادینه شود. در نتیجه این امر سرمایه اجتماعی شبکه افزایش می‌یابد و برنامه‌ریزی مشارکتی در مدیریت پایدار روستایی، با هزینه و زمان کمتری صورت می‌گیرد. همچنین این امر سبب می‌شود احترام به هنجارها و عرف‌های محلی در بین افراد به‌وجود آید که این مسئله تا حد زیادی تنازعات و شکایت‌های اجتماعی را در بین افراد کاهش خواهد داد.

جدول ۲ همچنین نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخص انتقال‌یافتگی را در بین اعضای صندوق روستای گلدشت نشان می‌دهد. اندازه این شاخص در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۴۳/۶ درصد و بعد از آن ۷۱/۸۶ درصد است. در پیوند مشارکت بین سرگروه‌ها نیز شاخص انتقال‌یافتگی قبل از اجرای طرح ۵۴/۶ درصد و بعد از آن ۶۷/۱۴ درصد است.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، اندازه شاخص انتقال‌یافتگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت پس از اجرای پروژه افزایش یافته است؛ بنابراین پس از اجرای طرح، شبکه‌ای متعادل‌تر و پایدارتر بین اعضای صندوق روستا شکل گرفته و اجرای پروژه در ایجاد شبکه‌ای متعادل و پایدار بین افراد مؤثر بوده است. به این ترتیب شکنندگی شبکه در مقابل بحران‌های احتمالی کمتر شده است. این نتیجه نشان می‌دهد پس از اجرای طرح، شبکه‌ای متعادل‌تر و پایدارتر در میان اعضای صندوق روستای گلدشت شکل گرفته است.

شاخص میانگین فاصله ژئودزیک برای اعضای صندوق در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۱/۶۹ و بعد از آن ۱/۱۱ است. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت قبل از اجرای پروژه ۲/۱۴ و بعد از آن ۱/۱۴ به‌دست آمده است. به این ترتیب می‌توان عنوان کرد که قبل از اجرای طرح، کنشگران در پیوندهای اعتماد از میزان وحدت و یگانگی بالاتری نسبت به پیوندهای مشارکت برخوردارند و به‌عبارتی سرعت گردش پیوندهای اعتماد بیشتر از پیوندهای مشارکت است. از این‌رو زمان بیشتری برای هماهنگ کردن افراد به‌منظور جلب مشارکت و مدیریت منبع خاص مورد نیاز بود. پس از اجرای طرح، میزان هردو پیوند مطلوب است که نشان می‌دهد اجرای پروژه توانسته تأثیر مثبتی بر کاهش فاصله میان کنشگران داشته باشد و موجب انتشار سریع منابع و اطلاعات میان کنشگران شده است؛ بنابراین به‌دلیل یگانگی و اتحاد مطلوب میان نهادها، هماهنگ کردن کنشگران و ذی‌نفعان محلی در مدیریت پایدار روستایی با سرعت خوبی همراه خواهد بود.

جدول ۲. اندازه شاخص تراکم، دوسویگی، انتقال‌یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک در بین اعضای صندوق روستای گلدشت

شاخص	شاخص تراکم			شاخص دوسویگی			شاخص انتقال‌یافتگی			میانگین فاصله ژئودزیک
	قبل از پروژه (درصد)	بعد از پروژه (درصد)	میزان تغییر	قبل از پروژه (درصد)	بعد از پروژه (درصد)	میزان تغییر	قبل از پروژه (درصد)	بعد از پروژه (درصد)	میزان تغییر	
اعتماد	۳۴/۹	۸۸/۴	۵۳/۵	۳۱/۰۳	۷۹/۲۷	۴۸/۲۴	۴۳/۶	۷۱/۸۶	۲۸/۲۶	۱/۱۱
مشارکت	۲۲/۵	۸۶	۶۳/۵	۱۸/۴۵	۷۶/۳۱	۵۷/۸۶	۵۴/۶	۶۷/۱۴	۱۲/۵۴	۱/۱۴

## ۲-۴. تحلیل ساختاری پیوندهای اعتماد و مشارکت در بین اعضای صندوق روستای جنگل آباد

براساس جدول ۳، شاخص تراکم در پیوند اعتماد در بین اعضای صندوق روستای جنگل آباد قبل از اجرای طرح ۲۲/۶ درصد و بعد از آن ۸۷/۵۴ درصد است. همچنین اندازه شاخص تراکم در پیوند مشارکت بین اعضای صندوق قبل از اجرای طرح ۲۳/۶ درصد و بعد از آن ۸۳/۲۵ درصد است. همان طور که نتایج نشان می‌دهد، اجرای پروژه توان‌افزایی توانسته تأثیر مثبتی بر روند افزایش شاخص تراکم در پیوندهای اعتماد و مشارکت بین اعضای صندوق روستای جنگل آباد داشته باشد و در تقویت انسجام و سرمایه اجتماعی بر مبنای اعتماد و مشارکت مؤثر بوده است.

با توجه به جدول، شاخص دوسویگی در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۳۴/۹۸ درصد و بعد از آن ۸۳/۲۶ درصد است. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت قبل از اجرای طرح ۳۲/۹۸ درصد و بعد از آن ۸۲/۵۷ درصد است. همان طور که نتایج نشان می‌دهد، شاخص دوسویگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه در بین اعضای صندوق روستای جنگل آباد افزایش یافته است؛ بدین معنی که پس از اجرای پروژه، اعتماد و مشارکت متقابل بین اعضا افزایش یافته و این امر سبب افزایش اندازه شاخص دوسویگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت پس از اجرای پروژه، شبکه‌ای پایدارتر و منسجم‌تر بین افراد شکل گرفته و اعتماد و مشارکت متقابل بین افراد افزایش یافته است. به نظر می‌رسد ایجاد شبکه‌ای منسجم و هماهنگ، راهکاری مناسب برای دستیابی به توسعه پایدار باشد.

همچنین جدول ۳، نتایج اندازه‌گیری شاخص انتقال‌یافتگی را در بین اعضای صندوق روستای جنگل آباد نشان می‌دهد. اندازه این شاخص در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۲۱/۴۹ درصد و بعد از اجرای آن ۷۶/۹۱ درصد است. در پیوند مشارکت بین سرگروه‌ها نیز شاخص انتقال‌یافتگی قبل از اجرای طرح ۲۷/۴۹ درصد و بعد از آن ۷۵/۶۵ درصد است؛ بنابراین نتایج نشان می‌دهد شاخص انتقال‌یافتگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه افزایش یافته است. در واقع می‌توان بیان کرد که اجرای پروژه توازن را در شبکه بین اعضای صندوق مورد نظر افزایش داده است. پس تاب‌آوری شبکه در مقابل بحران‌های پیش‌رو ارتقا خواهد یافت.

نتایج اندازه‌گیری شاخص میانگین فاصله ژئودزیک برای اعضای صندوق در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۱/۸۸ و بعد از آن ۱/۱۹ است. این شاخص در پیوند مشارکت قبل از اجرای پروژه ۱/۹۸ و بعد از آن ۱/۲۶ اندازه‌گیری شده است. این نتایج نیز بیانگر آن است که اجرای پروژه توانسته تأثیر مثبتی در کاهش فاصله میان کنشگران داشته باشد. به این معنی که بعد از اجرای پروژه، اتحاد و هماهنگی بین اعضای صندوق خرد توسعه روستایی و نیز سرعت گردش مشارکت و اعتماد بین افراد بعد از اجرای پروژه افزایش یافته است. به این ترتیب براساس این نتایج می‌توان استدلال کرد که میزان تاب‌آوری جامعه محلی در این روستا، در مواجهه با تنش‌های محیطی افزایش خواهد یافت و توانمندسازی اجتماعی با سرعت بیشتری محقق خواهد شد.

جدول ۳. شاخص تراکم، دوسویگی، انتقال‌یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک در بین اعضای صندوق روستای جنگل آباد

شاخص تراکم			شاخص دوسویگی			شاخص انتقال‌یافتگی			میانگین فاصله ژئودزیک		
قبل از	بعد از	میزان تغییر	قبل از	بعد از	میزان تغییر	قبل از	بعد از	میزان تغییر	قبل از	بعد از	میزان تغییر
(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)
۲۲/۶	۸۷/۵۴	۶۴/۹۴	۳۴/۹۸	۸۳/۲۶	۴۸/۲۸	۲۱/۴۹	۷۶/۹۱	۵۵/۴۲	۱/۸۸	۱/۱۹	-۰/۶۹
۲۳/۶	۸۳/۲۵	۵۹/۶۵	۳۲/۹۸	۸۲/۵۷	۴۹/۵۹	۲۷/۴۹	۷۵/۶۵	۴۸/۱۶	۱/۹۸	۱/۲۶	-۰/۷۲

### ۳-۴. تحلیل ساختاری پیوندهای اعتماد و مشارکت در بین اعضای صندوق روستای گزآباد

براساس نتایج جدول ۴، شاخص تراکم در پیوند اعتماد در بین اعضای صندوق روستای گزآباد قبل از اجرای طرح ۳۶/۸ درصد و بعد از آن ۹۰/۱ درصد است. همچنین اندازه شاخص تراکم در پیوند مشارکت بین اعضای صندوق قبل از اجرای طرح ۲۸/۲ درصد و بعد از آن ۷۳/۱ درصد است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، اجرای پروژه توان‌افزایی تأثیر مثبتی بر روند افزایش شاخص تراکم در پیوندهای اعتماد و مشارکت در شبکه اعضای صندوق روستای گزآباد و متعاقباً افزایش سرمایه اجتماعی این افراد بر جای گذاشته است. وجود تراکم و درواقع سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند موجب تقویت اعتماد و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی شود. به‌طور کلی با افزایش سرمایه اجتماعی، پابندی افراد به هنجارها و قوانین حاکم بر صندوق‌های اعتباری خرد روستایی افزایش پیدا می‌کند و این عامل بر میزان احساس تعلق به روستا و مسئولیت‌پذیری افراد افزوده می‌شود و جامعه‌ای منسجم پدید می‌آورد.

با توجه به جدول، شاخص دوسویگی در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۶۲/۴ درصد و بعد از آن ۸۳/۶۳ درصد است. این شاخص در پیوند مشارکت قبل از اجرای طرح ۲۹/۰۷ درصد و بعد از آن ۶۱/۰۹ درصد است. مطابق نتایج، شاخص دوسویگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه در بین اعضای صندوق روستای گزآباد افزایش یافته است؛ بنابراین تقویت پیوندهای اعتماد و مشارکت متقابل در بین افراد روستا و به عبارتی پایداری سرمایه اجتماعی موجب ایجاد مدیریت موفق در راستای مدیریت یکپارچه سرزمین و دستیابی به اهداف پروژه توان‌افزایی جوامع محلی در این روستا می‌شود.

همچنین جدول ۴ نتایج اندازه‌گیری شاخص انتقال‌یافتگی را در بین اعضای صندوق روستای گزآباد نشان می‌دهد. این شاخص در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۴۲/۰۱ درصد و بعد از آن ۷۴/۰۳ درصد است. در پیوند مشارکت بین سرگروه‌ها نیز شاخص انتقال‌یافتگی قبل از اجرای طرح ۴۱/۱۵ درصد و بعد از آن ۷۰/۵۹ درصد است. این امر نشان می‌دهد روابط بین افراد قبل از اجرای پروژه ضعیف بوده و سبب شده شبکه در برابر تغییرات و بحران‌ها و تنش‌های محیطی و اجتماعی تعادل کافی نداشته باشد؛ بنابراین نیاز است که ارتباط افراد با یکدیگر قوی‌تر شود تا بتوان شبکه‌ای پایدار و متعادل در برابر تغییرات و بحران‌ها ایجاد کرد.

نتایج اندازه‌گیری میانگین فاصله ژئودزیک برای اعضای صندوق روستای گزآباد در پیوند اعتماد قبل از اجرای طرح ۱/۸۱ و بعد از آن ۱/۰۹ است. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت قبل از اجرای پروژه ۱/۹ و بعد از آن ۱/۲۶ اندازه‌گیری شده است. این نتایج نیز بیانگر آن است که بعد از اجرای طرح، سرعت گردش پیوندهای اعتماد و مشارکت زیاد است و در نتیجه اتحاد و یگانگی بین افراد فراوان است و زمان کمتری برای هماهنگ‌سازی افراد به‌منظور جلب اعتماد و مشارکت برای مدیریت منبعی مشخص، ضرورت دارد.

جدول ۴. شاخص تراکم، دوسویگی، انتقال‌یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک در میان اعضای صندوق روستای گزآباد

شاخص	شاخص تراکم			شاخص دوسویگی			شاخص انتقال‌یافتگی			میانگین فاصله ژئودزیک
	قبل از پروژه (درصد)	بعد از پروژه (درصد)	میزان تغییر	قبل از پروژه (درصد)	بعد از پروژه (درصد)	میزان تغییر	قبل از پروژه (درصد)	بعد از پروژه (درصد)	میزان تغییر	
اعتماد	۳۶/۸	۹۰/۱	۵۳/۳	۶۲/۴	۸۳/۶۳	۲۱/۲۳	۴۲/۰۱	۷۴/۰۳	۳۲/۰۲	۱/۸۱
مشارکت	۲۸/۲	۷۳/۱	۴۴/۹	۲۹/۰۷	۶۱/۰۹	۲۲/۰۲	۴۱/۱۵	۷۰/۵۹	۲۹/۴۴	۱/۹

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج، شاخص تراکم در تمامی روستاهای مورد مطالعه و در دو پیوند اعتماد و مشارکت پس از اجرای طرح توانمندسازی افزایش یافته و بیشترین تراکم مربوط به پیوند اعتماد روستای گزآباد (۹۰/۱) است. شاخص تراکم با سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی رابطه مثبت دارد؛ بنابراین اجرای این پروژه در تقویت سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد و مشارکت مؤثر بوده است. در نتیجه فعالیت‌های جمعی و گروهی در بین افراد افزایش می‌یابد که تأثیر بسیار مثبتی بر مدیریت تعاونی دارد و به توانمندسازی و توسعه پایدار در این حوزه منجر می‌شود. از این رو، سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی تقویت و مدیریت مشترک تسهیل می‌شود. تراکم و انسجام زیاد نیز می‌تواند اعتماد را افزایش دهد. این نتایج با یافته‌های بوگارت و همکاران (۲۰۲۰) و لی و فنگ (۲۰۲۱) که اعتماد را مهم‌ترین عنصر در توانمندسازی جوامع محلی می‌دانند، مطابقت دارد؛ بنابراین تقویت پیوندهای اعتماد و مشارکت متقابل در میان افراد روستا و به عبارتی پایداری سرمایه اجتماعی موجب ایجاد مدیریت موفق در راستای مدیریت یکپارچه سرزمین و دستیابی به اهداف پروژه توان‌افزایی جوامع محلی در منطقه می‌شود.

طبق نتایج، شاخص دوسویگی در مرحله دوم مطالعه نسبت به فاز قبل از پروژه در روستاهای مورد مطالعه افزایش یافته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پس از اجرای پروژه، شبکه پایدارتر و منسجم‌تری در بین افراد شکل گرفته است. این به نوبه خود به افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه ثبات اعتماد و مشارکت‌ها در شبکه می‌انجامد. در این راستا مطالعات پن و همکاران (۲۰۱۷) و تورتون و لهی (۲۰۱۲) نشان داده است اعتماد، تعامل، مشارکت و شبکه‌های گفت‌وگو موجب توانمندسازی افراد می‌شود. علاوه بر این، مطالعه تورتون و لهی (۲۰۱۲) نشان داده که پس از مشارکت در پروژه‌های توانمندسازی، افزایش آماری معنی‌داری در سرمایه اجتماعی و انعطاف‌پذیری در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد که به افزایش مشارکت جامعه در مدیریت اقتصادی و زیست‌محیطی می‌انجامد. وانگ و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی نقش کلیدی در آماده‌سازی جوامع برای بلایای طبیعی ایفا می‌کند. همچنین یون و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای درباره نقش سرمایه اجتماعی در بهبود تاب‌آوری خانواده‌های روستایی در شرایط خشکسالی به این نتیجه رسیدند که در جوامعی که سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، تاب‌آوری بیشتر است که با نتایج پژوهش حاضر تطابق دارد؛ بنابراین با مقایسه شرایط قبل و بعد از پروژه می‌توان ادعا کرد که این طرح در حمایت از روابط بین روستاها عملی بوده است. ارتباط و همکاری بهتر به بهبود سرمایه اجتماعی بستگی دارد که محرومیت را نیز کاهش می‌دهد.

با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که پس از اجرای پروژه، شبکه پایدارتر و منسجم‌تری در بین افراد شکل گرفته است. این نتایج تأیید می‌کند که وجود روابط و حمایت عاطفی، علایق شخصی و همچنین دریافت خدمات و منابع مختلف به ایجاد و افزایش روابط متقابل بین بازیگران منجر می‌شود. این به نوبه خود به افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه ثبات اعتماد و مشارکت‌ها در شبکه می‌انجامد. با مقایسه شرایط قبل و بعد از پروژه می‌توان ادعا کرد که این طرح در حمایت از روابط بین روستاها عملی بوده است.

رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی با بررسی روابط بین تمامی ذی‌نفعان در طول اجرای یک پروژه و در مراحل مختلف آن، قادر به ارزیابی تغییرات سرمایه اجتماعی در حین اجرای پروژه است؛ بنابراین می‌توان از آن برای تجزیه و تحلیل اثربخشی یک پروژه از دیدگاه اجتماعی استفاده کرد. پس می‌توان ادعا کرد که سرمایه اجتماعی و توانمندسازی در جوامع محلی برای یکدیگر ضروری هستند. علاوه بر این، هرگونه فعالیت برای افزایش توانمندی در جوامع محلی موجب افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای سطح اعتماد و مشارکت و

در نهایت حفظ و تقویت ساختارهای اجتماعی می‌شود. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که عضویت در یک شبکه اجتماعی موجب افزایش ارتباطات با بسیاری از منابع دانش و تأثیر بر اعتماد به منابع معین دانش و در نهایت افزایش توانمندی روستاییان می‌شود. پیشنهادهای تحقیق بدین شرح‌اند: (۱) با فراهم کردن بستر اعتمادسازی، آموزش و تقویت روحیه مشارکت و همکاری جمعی در بین سرگروه‌های صندوق‌های اعتبارات خرد، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی غنی در این جامعه محقق شود؛ (۲) نهادسازی گروهی و جمعی و پایبندی به اصول نهادی (قوانین مشترک) در جوامع روستایی سبب تقویت همکاری، یادگیری و نیز نوآوری می‌شود و مسیر را برای تغییر در راستای توانمندسازی و معیشت پایدار محقق می‌سازد. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آتی از سرمایه اجتماعی ساختاریافته در روستاها، حفاظت و حراست لازم به عمل آید؛ (۳) مدیران و برنامه‌ریزان با در دسترس قرار دادن شاخص‌های مرتبط با مدیریت مشترک یکپارچه، مدیریت مؤثرتری داشته باشند؛ (۴) عدم شفافیت در مورد سیاست‌های اشتراک‌گذاری داده‌ها و مستندات ضعیف می‌تواند سودمندی و استفاده از چنین داده‌هایی را محدود کند. پیشنهاد می‌شود بستر مناسب برای ایجاد اعتماد متقابل در اشتراک‌گذاری داده‌ها و جمع‌آوری مستندات ایجاد شود؛ (۵) سایر شاخص‌های شبکه اجتماعی در سطوح خرد شبکه نیز در مناطق خشک و نیمه‌خشک بررسی شود.

**مأخذ مقاله:** مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «انجام تحقیقات و اجرای طرح توان‌افزایی جوامع محلی شهرستان قلعه‌گنج- استان کرمان، ۱۳۹۵-۱۳۹۸» دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

## منابع

- اسلامی، ایمان، ابراهیم‌زاده، حسین و اشتری مهرجردی، اباذر (۱۳۹۸). تحلیل شبکه اجتماعی از مدیریت مشارکتی و سرمایه اجتماعی در میان بهره‌برداران دام در استان یزد. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱(۲)، ۴۸۳-۵۰۰. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.76781>
- اکبری، الهام و عوض پور، لیلا (۱۴۰۱). تحلیل پویایی سرمایه اجتماعی در توسعه و توانمندسازی جوامع محلی در مناطق خشک؛ کاربرد تحلیل شبکه اجتماعی. نشریه علمی-پژوهشی مرتع و آبخیزداری، ۱۵(۳)، ۳۳۳-۳۴۵. [https://jrwm.ut.ac.ir/article\\_90352.html](https://jrwm.ut.ac.ir/article_90352.html)
- ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکلهای دولتی (مطالعه موردی: حوزه آبریز کرخه). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۴)، ۴۹-۷۲.
- پوررضا کریم‌سرا، ناصر و دهقان، حسین (۱۳۹۸). نقش مگامال‌ها و مغازه‌های محلی در سرمایه اجتماعی محلی شهروندان تهرانی. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱(۲)، ۳۸۷-۴۰۸. [https://jrd.ut.ac.ir/article\\_76753.html](https://jrd.ut.ac.ir/article_76753.html)
- تاجبخش، کیان (۱۳۷۹). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: شیرازه.
- فیلد، جان (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی. تهران: کویر.
- قربانی، مهدی، عوض پور، لیلا و راسخی، ساره (۱۳۹۵). تحلیل سرمایه اجتماعی شبکه زنان روستایی در راستای توانمندسازی جوامع محلی (منطقه مورد مطالعه: روستای بزجان، شهرستان محلات، استان مرکزی). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۵(۲)، ۲۷۳-۲۹۴. [https://jisr.ut.ac.ir/article\\_59243.html](https://jisr.ut.ac.ir/article_59243.html)
- قربانی، مهدی (۱۳۹۵). پروژه تحلیل و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی-سیاستی انجمن‌های مردمی، نهادها و صندوق‌های توسعه پایدار پروژه RFLDL (بخش سرایان- خراسان جنوبی). تهران: دانشگاه تهران.
- قربانی، مهدی (۱۳۹۴). گزارش طرح الگوی ایرانی مشارکت و توانمندسازی جوامع محلی با رویکرد شبکه اجتماعی. دانشکده منابع طبیعی. دانشگاه تهران.

- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- Akbar, M. S., & Aldrich, D. P. (2018). Social capital's role in recovery: evidence from communities affected by the 2010 Pakistan floods. *Disasters*, 42(3), 475–497. <https://doi.org/10.1111/disa.12259>
- Alcorta, L., Smits, J., Swedlund, H. J., & Jong, E. (2020). The 'Dark Side' of Social Capital: A Cross-National Examination of the Relationship Between Social Capital and Violence in Africa. *Social Indicators Research: An International and Interdisciplinary Journal for Quality-of-Life Measurement*, 149(2), 445-465. <https://doi.org/10.1007/s11205-019-02264-z>
- Bodin, Ö., Crona, B., & Ernstson, H. (2010). Social Networks in Natural Resource Management: What Is There to Learn From a Structural Perspective? *Ecology and Society*, 11(2). <http://www.ecologyandsociety.org/vol11/iss2/resp2/>
- Bogart, L. M., Matovu, J. K., Wagner, G. J. Green, H. D., Storholm, E. D., Klein, D. J.... & Kambugu, A. (2020). A pilot test of game changers, a social network intervention to empower people with HIV to be prevention advocates in Uganda. *AIDS and Behavior*, 24(9), 2490-2508.
- Borgatti, S. P., Everett, M. G., & Johnson, J. C. (2013). In: J. Seaman (Ed.), *Analyzing Social Networks*. Sage Publications Ltd, Thousand Oaks, Ca. 304 p
- Bosher, L., Penning-Rowsell, E., & Tapsell, S. (2007). Resource accessibility and vulnerability in Andhra Pradesh: caste and noncaste influences. *Development and Change*, 38, 615-640. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-7660.2007.00426.x>
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241–258). New York, NY: Greenwood.
- Burt, R., (2003). *The social capital of structural holes. The new economic sociology: developments in an emerging field*. Russell Sage Foundation, New York, New York, USA p: 148-189
- Burt, R. S. (2000). The network structure of social capital. *Research in Organizational Behavior*, 22, 345-423.
- De Haan, A. (2001). *Social exclusion enriching the understanding of deprivation*. University of Sussex.
- Feola, G., Lerner, A., Jain, M., Montefrio, M., & Nicholas, K. (2015). Researching farmer behaviour in climate change adaptation and sustainable agriculture: Lessons learned from five case studies. *Journal of Rural Studies*, 39, 74-84. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2015.03.009>
- Ghorbani, M. (2016). *Report of the Project of Analysis and Assessment of the Social-Policy Networks of Grassroots Association, Institutions and Sustainable Development Funds RFLDL Project (Sarayan District- South Khorasan)*. University of Tehran. (In Persian)
- Ghorbani, M., Avazpour, L., & Rasekhi, S. (2016). Social Capital Analysis of Rural Women Network in Line with Empowerment of Local. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(2), 273-294. [https://jisr.ut.ac.ir/article\\_59243.html?lang=en](https://jisr.ut.ac.ir/article_59243.html?lang=en) (In persian)
- Ghorbani, M., & Azadi, H. (2021) A social-relational approach for analyzing trust and collaboration networks as preconditions for rangeland comanagement. *Rangeland Ecology & Management*, 75, 170-184.
- Ghorbani, M., Javadi, A., Rasekhi, S., Yazdanparast, M., & Azadi, H. (2022). Bonding Social Capital of Rural Women in Southwest Iran: Application of Social Network Analysis. *Journal of Rural Sociology*. <https://doi.org/10.1111/ruso.12430>
- Ghorbani, M., Naderi, A., Janečková, K., Sklenička, P., Azadi, H., & Witlox, F. (2021). Sustainable Co-Management of arid regions in southeastern Iran: Social network analysis approach. *Journal of Arid Environment*, 192, 104540. <https://doi.org/10.1016/j.jaridenv.2021.104540>
- Hanneman, R. A., & Riddle, M. (2005). *Introduction to social network methods*. California, USA: University of California Riverside, 322P.
- Joshi, A., & Aoki, M. (2014). The role of social capital and public policy in disaster recovery: A case study of Tamil Nadu State, India. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 7, 100-108. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2013.09.004>
- Leddy, A. M., Whittle, H. J., Shieh, J., Ramirez, C., Ofotokun, I., & Weiser, S. D. (2020). Exploring the role of social capital in managing food insecurity among older women in the United States. *Social Science & Medicine* 265, 113492. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2020.113492>

- Li, X. L., & Feng, J. (2021). Empowerment or disempowerment: Exploring stakeholder engagement in nation branding through a mixed method approach to social network analysis. *Public Relations Review*, 47(3), 102024.
- Meyer, M. L. (2019) Social by default: characterizing the social functions of the resting brain. *Current Directions in Psychological Science*, 28(4), 380-386.
- Mubaya, C. P., Njuki, J., Mutsvangwa, E. P., Mugabe, F. T., & Nanja, D. (2012). Climate variability and change or multiple stressors? Farmer perceptions regarding threats to livelihoods in Zimbabwe and Zambia. *Journal of environmental management*, 102, 9-17. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2012.02.005>
- Musavengane, R., & Simatele, D. M. (2016). Community-based natural resource management: The role of social capital in collaborative environmental management of tribal resources in KwaZulu-Natal, South Africa. *Development Southern Africa*, 33(6), 806-821.
- Putnam, R. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: Americas declining social capital. *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78.
- Ramón-Hidalgo, A. E., Kozak, R. A., Harshaw, H. W., & Tindall, D. B. (2018). Differential effects of cognitive and structural social capital on empowerment in two community ecotourism projects in Ghana. *Society & Natural Resources*, 31(1), 57-73.
- Ramón-Hidalgo, A. E., Harshaw, H. W., Kozak, R. A., & Tindall, D. B. (2020) What a Small Group of People Can ('t) Do: An Analysis of Capable Agents for the Mobilization of Social Capital in Two Ghanaian Ecotourism Projects. *Sociology of Development*, 6(3), 338-367.
- Sabatini, F. (2009). Social Capital as Social Networks: a New Framework for Measurement and an empirical analysis of its determinants and consequences. *Journal of Socio-economics*, 38(3), 429-442.
- Setini, M., Yasa, N., Supartha, W., Giantari, G., & Rajiani. I. (2020). The Passway of Women Entrepreneurship: Starting from Social Capital with Open Innovation, through to Knowledge Sharing and Innovative Performance. *Journal of Open Innovation: Technology, Market and Complexity*, 6, 25.
- Sharafi, L., Zarafshani, K., Keshavarz, M., Azadi, H., & Passel. S. (2020). Drought risk assessment: Towards drought early warning system and sustainable environment in western Iran. *Ecological Indicators*, 114, 106276. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2020.106276>
- Scott, J. (2017). *Social networks analysis*. SAGE Publications Ltd, 248P.
- Smiley, K. T., Howell, J., & Elliott, J. R. (2018). Disasters, local organizations, and poverty in the USA, 1998 to 2015. *Population and Environment*, 40(2), 115-135. <http://www.jstor.org/stable/45180222>
- Thornton, T., & Leahy, J. (2012). Changes in social capital and networks: a study of community-based environmental management through a school-centered research program. *Journal of Science Education and Technology*, 21(1), 167-182.
- Wang, Y., Zhu, Y., & Yu, M. (2019). Evaluation and determinants of satisfaction with rural livability in China's less-developed eastern areas: A case study of Xianju County in Zhejiang Province. *NEcological Indicators*, 104, 711-722. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2019.05.054>
- Yoon, D. K. Kang, J., & Brody, S. (2016) A measurement of community disaster resilience in Korea, *Journal of Environmental Planning and Management*, 59(3), 436-460. <https://doi.org/10.1080/09640568.2015.1016142>